

فلسفه ادبیات میکشاید

نویسنده: دکتر نصرالله حکمت



انتشارات اصفهان

سرشناسه: حکمت، نصرالله، ۱۳۳۴.
عنوان و نام پدیدآور: فلسفه ادبیات میخانه، نویسنده نصرالله حکمت.

مشخصات ناشر: تهران: الهام، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۸۰ صفحه.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۷-۰۶-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا.

یادداشت: کتابخانه: ص ۱۸۰.

موضوع: ساقی نامه ها

موضوع: ادبیات فارسی - تاریخ و نقد

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ف ۸-۴۰۶۹۷ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱۰/۱۰۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۱۶۸۹۲



فلسفه ادبیات میخانه

نوشته نصرالله حکمت

طراح صفحات استقبال و جلد کتاب

حمید گودرزی

حروفچینی: مؤسسه بروجردی

چاپ اول: سال ۱۳۹۲

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: پیام

ناشر: انتشارات الهام

انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، خیابان فخر رازی، کوچه مهر، پلاک ۸، واحد ۲

تلفن: ۶۶۴۰۶۷۹۰ - ۶۶۴۸۰۱۰

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۷-۰۶-۳

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

...

می خور که صد گناه ز اغیار در حجاب
بهرتر ز طاعتی که به روی و ریا کنند
بگذر به کوی میکده تا زمره حضور
اوقات خود ز بهر تو صرف دعا کنند
«حافظ»

بساط ساقی و میخانه حاصل تاک است
بسیط فهم زیانش و رای ادراک است
بشوی جامه تزویر را به آب شراب
به خاک میکده سوگند می خورم پاک است
از آن زمان که خموشی مرا اهل وفاست
هزار قصه ناگفته در دل خاک است
جهان و هر چه در آن خالی از غم دوست
به چشم اهل نظر کشتگاه خاشاک است
مباد سر به هوا پانهی به وادی عشق
که طی راه جنون بازی خطرناک است
عذاب خار مغیلان بود گوارایت
به شوق دیدن او رنج ها طربناک است
چه حکمت است ندانم به کار سالک مست
که راه رفتن او شبه چرخ افلاک است
«نصر الله حکمت»

...

فهرست مطالب

مقدمه ۱۳

فصل اول ۱۷

دیدگاه تأویلی شستری درباره می و میخانه

فصل دوم: ۴۵

در باب حضور و ظهور

فصل سوم: ۱۱۱

اظهار گناهکاری

فصل چهارم: ۱۴۹

ادبیات میخانه، ضد تزویر و تحقیر و تکفیر

بسم الله الرحمن الرحيم

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين

مقدمه

این کتاب یکی از «سه کتاب کوچک» است که به لطف حق توانستم در جریان فرصت مطالعاتی بنویسم. آن دو کتاب دیگر عبارتند از: شمس تبریزی پرشش و گزارش مختصر از فرصت مطالعاتی.

در این کتاب پرشش من این است که: سرورود «ادبیات میخانه» در شعر و ادب فارسی چیست؟

مرادم از «ادبیات میخانه» تعبیری است از قبیل: می، باده، جام، پیمانه، خُم، خمخانه، شراب، ساقی، صهبا، خمار، میکده، نعره مستانه و...

به راستی چرا شعرای بزرگ ما، کسانی مانند خیام، سعدی، حافظ، مولوی، عراقی، جامی، صائب، بیدل و غیرهم همواره در اشعار خود سخن

از می و میخانه می‌گویند؟ آیا اینان می‌خواسته‌اند بگویند که ما شراب می‌نوشیم و می‌خواره‌ایم؟ بسیار بعید است که چنین باشد. آدم‌های عادی هم شراب‌خواری خویش را فریاد نمی‌کشند.

پس چگونه بپذیریم که اینان قصد اعلام شراب‌خواری و می‌گساری خود را داشته‌اند؟ و تازه اگر چنین باشد، چه فایده‌ای دارد؟

به علاوه در جامعه‌ای که می‌گساری امری معمول و رایج است و همگان شراب می‌نوشند، اعلام شرب خمر نمی‌تواند معنایی محصل و مقبول داشته باشد؛ درست مانند این که کسی بگوید آب می‌نوشد. در حالی که شعرای ما مسلمانند و در جوامعی زیسته‌اند که شرب خمر، شرعاً حرام بوده و اظهار و اعلان شراب‌خواری هنجارشکنی بوده است. اکنون پرسش ما برجسته‌تر می‌شود که: چرا «ادبیات میخانه» وارد شعر فارسی شده است؟

بحث دربارهٔ چرایی ورود «ادبیات میخانه» به شعر و ادبیات عرفانی ما، و چگونگی ورود آن، جوانب مختلف دارد. مثلاً می‌توان به لحاظ

تاریخی، این جریان را مورد بررسی قرار داد. یا می‌توان تطوّر و تحوّل «ادبیات میخانه» را نزد شعرای مختلف، مطالعه کرد. آن چه نگارنده در پی آن است، این جوانب نیست؛ گرچه همه این مباحث در جای خود مهمّ است و حتی می‌تواند به جریان بحث ما در این کتاب کمک کند؛ بلکه می‌خواهم به رمز و راز ورود این ادبیات بپردازم و چهره‌ای از آن را به تأمل بنشینم؛ و صرفاً در صدد آنم که افق تازه‌ای در باب «ادبیات میخانه» بگشایم.

برخی قایلند که زبان می و میخانه در ادبیات عرفانی ما، زبانی سمبلیک و رمزی و یا تأویلی است و مراد شعرای ما از تعبیر مربوط به میخانه، مدلول لغوی و عرفی آن‌ها نیست، بلکه با آوردن آن‌ها، در پی چیزی دیگر بوده‌اند. این نیز کاملاً درست و پذیرفته است و به همین جهت، فصل اول این کتاب را به بحثی مختصر درباره‌ی همین مطلب اختصاص داده‌ایم و در آن جا دیدگاه تأویلی شیخ محمود شبستری را در این باب، که در گلشن راز آمده، و نیز دیدگاه رمزی

را مرور کرده‌ایم.

در عین حال، رمزی بودن تعابیر مربوط به میخانه، یا تأویلی بودن آن‌ها پاسخ سؤال ما نیست، و ما می‌توانیم باز هم پرسیم که عرفای ما برای بیان مراد خود چرا از این گونه تعابیر و این رمزها استفاده کرده‌اند؟

در پایان این نکته را بیفزایم که در این کتاب، عمدتاً به اشعار حافظ، و گاه به رباعیات خیام، استناد کرده‌ام و تصوّر این است که نزد سایر شعرای بزرگ ما نیز زمینه خوبی برای مطالعه و تحقیق درباره «ادبیات میخانه» وجود دارد و امیدوارم دانشجویان فلسفه، عرفان و ادبیات، این موضوع را پی‌گیری کنند.

به امید آن که خواندن این اثر، افق تازه‌ای را در برابر خواننده گرامی بگشاید.

و هو المستعان

نصرالله حکمت

لندن

ششم می ۲۰۱۳

شانزدهم فروردین ۱۳۹۲